

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهش در شفاهتی سمنان

(نگاهی به تمثیل و مثل، کنایه، طنز و ریشه‌های تاریخی امثال و حکم)

دکتر هدایت الله ستوده

عضو هیأت موسس و هیأت امنای

موسسه آموزش عالی علاءالدوله سمنانی - گرمسار



انتشارات ندای آریانا

تهران - ۱۴۰۰

سرشناسه	: ستوده، هدایت‌الله، ۱۳۱۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: پژوهشی در ادبیات شفاهی سمنان (نگاهی به تمثیل و مثل، کنایه، طنز و ریشه‌های تاریخی امثال و حکم) / هدایت‌الله ستوده.
مشخصات نشر	: تهران: ندای آریانا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۷۰-۶۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۲۲] - ۲۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: ادبیات عامه ایرانی -- سمنان
موضوع	: Folk literature, Iranian -- Semnan
موضوع	: فرهنگ عامه -- ایران -- سمنان
موضوع	: Folklore -- Iran -- Semnan
رده بندی کنگره	: PIR۲۲۷۹
رده بندی دیویی	: ۸۶۹/۸۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۷۲۲۸۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



پژوهشی در ادبیات شفاهی سمنان (نگاهی به تمثیل و مثل، کنایه، طنز و ریشه‌های

تاریخی امثال و حکم)

تایف: دکتر هدایت‌الله ستوده

ناشر: ندای آریانا

چاپ: اول ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۷۰-۶۴-۳

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱ ۶۶۹۶۷۳۵۵

قیمت ۸۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



تقدیم:

- به نوه عزیزم: *ایدن*

- به عروس ارجمندم: *مهسا*

- به فرزند گرانقدرم: *پرهام*

عکس روی جلد موزه مردم شناسی سمنان

بنای موزه مردم شناسی سمنان در گذشته دور به عنوان گرمابه مورد استفاده قرار می گرفته و در مجاورت راسته بازار شهر سمنان واقع و تاریخ نزدیک به ۶۰۰ سال را پشت سر گذرانیده است.

به استناد کتیبه سر در بنا ، این ساختمان در زمان سلطنت میرزا ابوالقاسم بابر خان «پادشاه تیموری» و به دستور وزیرش خواجه غیاث الدین محمد بن خواجه تاج الدین بهرام سمنانی ساخته شده است.

این بنا در سال ۱۳۵۵ در فهرست ملی به ثبت رسید و در سال ۱۳۵۶ تعمیرات اساسی و زیر بنایی آن آغاز شد و پس از پیرایی بنا در سال ۱۳۷۴ به صلاحدید کارشناسان به موزه تغییر کاربری داده شد. بنای کنونی با مساحت تقریبی ۱۰۰۰ متر مربع در شمال غرب تکیه پهنه ساخته شده و دارای دو درگاه می باشد که از قدیم برای ورودی های حمام زنانه و مردانه تعبیه شده است. در ورودی مردانه دو صفه (ایوان، غرفه) وجود دارد که از سه طرف کاشیکاری شده است. مجموعه کاشیکارهای سر در آن ، طبق آنچه در گوشه کار درج شده ، عمل زین العابدین سمنانی - سال ۱۳۲۰ - می باشد.

صحن گرمخانه و بنا با گنبد زیبایی پوشانده و نورگیرهای متعددی این محل را زیباتر کرده است. همین صحن محل عرضه و نمایشگاه دائمی آثار و بقایایی از تپه ها و منطقه های سطح استان می باشد. بیشتر قسمت های موزه به نمایش آثار باستان شناسی اختصاص دارد که از تپه حصار دامغان و خطیر کوه و تپه خندق سمنان و ... به دست آمده است.

نشانه‌های آوانویسی واژه‌ها و جمله‌های گویشی

آواها	حرف‌ها	
a	ب	اَ
â	پ	آ
i	ت - ط	ئی
O	ج	أ
e	چ	اِ
U	ح - هـ	او
OW	خ	او، وُ
	د	
	ض - ذ - ز - ظ	
	ر	
	ژ	
	س - ث - ص	
	ش	
	غ - ق	
	ک	
	گ	
	ل	
	م	
	ن	
	و	
	ی	
	ع و همزه	
	ف	

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
فصل اول : ادبیات شفاهی ، میراث فرهنگی نیاکان ما	۱۷
ادبیات شفاهی چیست؟	۱۷
ادبیات شفاهی و مردم شناسی	۲۰
سودمندی های ادبیات شفاهی	۲۲
ادبیات شفاهی در برابر ادبیات کتبی	۲۳
ویژگی های ادبیات شفاهی	۲۴
انواع ادبیات شفاهی	۳۳
ادبیات داستانی	۳۴
اسطوره ها	۳۵
افسانه ها	۳۶
لطیفه ها	۳۹
ادبیات نمایشی	۴۰
فصل دوم : آیین های اجتماعی و ادبیات مراسمی	۴۵
ارتباط ادبیات شفاهی با مراسم و آیین های اجتماعی	۴۵
آیین های باران خواهی	۴۶
نوروز خوانی	۵۰
آتش افروزی	۵۳
غول بیابانی	۵۵
میر نوروزی	۵۷
کوسه بر نشین	۵۹

- ۶۲ آیین های اجتماعی و جشن های کهن.....
- ۶۳ جشن نوروز.....
- ۶۷ جشن تیرگان (جشن آب پاشان یا آبریزان).....
- ۶۹ جشن سده - یلدا.....

فصل سوم : مَثَل ؛ گوهر بی بدیل ادبیات شفاهی ۷۳

- ۷۴ نکاتی چند در مورد مَثَل ها.....
- ۷۶ مَثَل ها و ویژگی ها.....
- ۷۶ ایجاز و کوتاهی.....
- ۷۷ شهرت و رواج میان مردم.....
- ۷۸ جنبه های پند و اندرز.....
- ۷۹ حُسن تشبیه.....
- ۸۰ روشنی و درستی معنی.....
- ۸۱ طبقه بندی مثل ها.....
- ۸۲ مثل ها در زبان سمنانی.....
- ۸۳ مثل های منشور و منظوم.....
- ۹۱ مثل های تمثیلی و حکمی.....

فصل چهارم : تمثیل و مثل ۹۹

- ۱۰۰ گونه شناسی تمثیل.....
- ۱۰۱ تمثیل های طنز آمیز.....
- ۱۰۳ دلایل تمثیل سازان به شیوهٔ روایی.....
- ۱۰۳ تمثیل ها در مثل های سمنانی.....
- ۱۰۴ داستان های حاجی و دو باغدار همسایه.....
- ۱۰۷ از ماست که بر ماست.....
- ۱۱۳ پُز دادن.....
- ۱۱۵ قوز بالا قوز.....

- ۱۲۰ استخوان لای زخم می گذارد.....
- ۱۲۳ پول عاشقی به کیسه بر نمی گردد.....
- ۱۳۲ علی نوچه حلوایی.....

فصل پنجم : ریشه های تاریخی امثال و حکم ۱۳۵

- ۱۳۵ آب حیات.....
- ۱۴۰ شتر دیدی ندیدی.....
- ۱۴۲ ران ملخ.....
- ۱۴۶ شاه می بخشد ، شیخ علی خان نمی بخشد.....
- ۱۵۰ رقم رقم می خواهد.....
- ۱۵۲ ریشه تاریخی مثل « نورو شنبه کچی ».....
- ۱۵۵ بل گرفت.....
- ۱۵۷ ور گرم ، ور سرد.....
- ۱۶۳ حرف مفت زن است.....
- ۱۶۴ ارنعوت.....
- ۱۷۲ لوطی خور شدن.....

فصل ششم : بازتاب کنایه در مثل های سمنانی ۱۷۷

- ۱۷۷ کنایه چیست؟.....
- ۱۷۹ گونه شناسی کنایه.....
- ۱۷۹ آهن سرد کوفتن.....
- ۱۸۰ تفاوت مَثَل و کنایه.....
- ۱۸۰ آهسته برو همیشه برو.....
- ۱۸۳ خروس یک پا دارد.....
- ۱۸۴ از زمین خشک تَرُب می کند.....
- ۱۸۷ دل به دل راه آب دارد.....
- ۱۹۳ آنقدر مار خورده که افعی شده است.....

آدم ، آه و دم ۱۹۷

مبارک مرده را آزاد کردن ۲۰۲

فصل هفتم : بازتاب طنز در مثل های سمنانی ۲۰۳

تعریف طنز ۲۰۳

زبان و کارکردهای طنز ۲۰۵

ویژگی های طنز ۲۰۶

طنز در مثل های سمنانی ۲۰۶

شکم گشاد است ۲۰۸

زن هم گرم می کند و هم می سوزاند ۲۱۱

از آن پاچه ور مالیده هایه ۲۱۵

خانه داماد خبری نیست ، خانه عروس بزن بکوب است ۲۲۱

با بزرگان پیوند کرده ایم ۲۲۷

زبان را مار بگزد ۲۲۸

چشمانت آلبالو گیلای می چیند ۲۳۱

مقدمه:

ادبیات شفاهی پربارترین بخش فرهنگ مردم و قلب تپنده فرهنگ و ادبیات هر مرز و بوم است. این گنجینه گرانقدر، زاده تجربه‌های زندگی، احساسات و اندیشه‌های مشترک افراد یک جامعه است و چه بسا برترین و والاترین آثار هر ملتی و قومی از این سرچشمه بهره گرفته و سیراب شده است. ادبیات شفاهی ارتباط مستقیمی با مراسم و آیین‌های اجتماعی دارد. هر یک از این رسم‌ها و آیین‌ها ادبیات خاص خود را دارد که بدان «ادبیات مراسمی» گویند که در هر سال کم و بیش در تاریخ معینی برگزار می‌شود.

امثال و حکم بخشی از ادبیات شفاهی است که برخی آن را کهن‌ترین اثر ادبی می‌دانند که از فکر انسان تراویده و به یادگار مانده است؛ به همین سبب مانند کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌های باستانی اعتبار و سندیت بی‌گفتگو و خدشه‌ناپذیر دارد.

امثال و حکم جملات کوتاهی است که هر جا پای استدلال در مذاکرات عمومی سست و چوبین شود به یاری متکلم می‌شتابد و مقصود و منظور گوینده را در یک جمله کوتاه و مستدل روشن و مدلل می‌سازد. به عنوان مثال برای سخنران و گوینده وقت کافی لازم است تا پیرامون احسان و انفاق بحث کند و بتواند ثابت نماید که بذل و بخشش، مذهب و ملت، مسلمان و غیرمسلمان نمی‌شناسد؛ محتاج، محتاج است. ولی این گفته ابوالحسن خرقانی عارف عالی قدر ایران که بر سر در مهمانسرا نوشت «فانش دهید و ایمانش مپرسید»، همه چیز را در خود جمع کرده و گوینده سخن را از هر گونه اطالۀ کلام و بیان سخن خلاصی می‌بخشد.

در ادبیات فارسی و زبان سمنانی، اگر کسی به هر دلیلی نتواند منظور خود را صریح بیان کند؛ از «کنایه» استفاده می‌کند. کنایه یکی از صورت‌های بیان پوشیده و شیوه هنری گفتار است. به عنوان مثال در شعر شهریار:

شب است و چشم به راه سحرم که تا سپیده‌دم امشب ستاره می‌شمرم
: چشم انتظار بودن، کنایه‌ای از انتظار کشیدن است.

جنبه‌های کنایی در مَثَل‌های «طنز» گونه قوی است. طنز پدیده‌ای نو در ادبیات فارسی و نوعی شیوه بیان جهت ابلاغ مطلب انتقادی و نفرت‌بار، همراه با خنده و شوخی است. در واقع طنز «آیینۀ حقیقت» است و می‌خواهد نابسامانی‌ها، پلشتی‌ها و عیب‌های فرد و جامعه را در خود منعکس کند و آن را بزرگ جلوه دهد.

«تمثیل» از صنایع علم بدیع است که بخش عظیمی از ادبیات شفاهی را پدید می‌آورد. در زبان فارسی تمثیل با حکایت‌های طنزآمیز قرین است. در واقع، تمثیل حاصل نتیجه بخشی افکار و اعمال نسل‌ها و عصاره تأملات تجربه‌های اقوام بشری است که در یک شکل مطبوع عمومی خلاصه و متبلور می‌شود.

امثال و حکم در گذر زمان از قرن به قرن دیگر سپرده می‌شود و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و مانند آن مسکوک است از زر ناب که در بازار دادوستد زمان از رواج نیفتاده و غبار کساد و ناسره بر آن ننشسته است که هر یک از آن‌ها ریشه ژرف و ژرفاتری دارد. این ریشه‌ها در سینه زمان و در قلب ادبیات فارسی فرو نشسته و به عنوان یادگار نیاکان ما به جای مانده است.

در خاتمه لازم می‌دانم از یاریگری‌های ارزنده خواهرزاده گرانقدرم آقای حسام‌الدین رحیمیان که در گردآوری مثل‌ها سمنانی یار و مددکارم بودند تشکر کنم و قدردان زحمات ایشان باشم. از آقای مصطفی میرحسینی مدیر محترم انتشارات آثار فکر که زحمات چاپ و نشر کتاب را به عهده داشتند، سپاسگزارم.

هدایت اله ستوده،

مرداد ۱۴۰۰